بیمه گران آلمانی هنوز روی ذهنیت ها کار می کنند

بیمه‏گران آلمانی هنوز سعی دارند به سهامداران‏ خود بگویند که تا چه اندازه سودآور هستند و هم‏چنین‏ به عموم مردم بگویند که حق بیمه‏ها بسیار پایین است‏ و خسارت بیمه آن‏ها(بیمه‏گران)را رنج می‏دهد.

با این وجود هر دو روند آنجا وجود دارد.بیمه‏گران‏ بیشتر مراقب سهامداران هستند و در سه یا چهار سال‏ اخیر از سودهای گزاف بهره‏مند شده‏اند.تقریبا کلیه‏ بیمه‏گران برجسته در سال 1997 سودآوری بسیار بالایی داشتند و بااطمینان پیش‏بینی می‏کنند که امسال‏ نیز بهتر خواهند بود.

اما هنوز در بازار آزاد سازی شده آلمان،جنگ‏ قیمت‏ها که موجب کاهش سودهایی که بیمه‏گران بطور سنتی از آن بهره برده‏اند،وجود دارد.قیمت‏های روبه‏ کاهش پدیده‏ای جدید است که حتی اگر با افت‏ طولانی مدت خسارت همراه باشد،دورنمای صنعت‏ را بطور کل تغییر می‏دهد.به عنوان مثال می‏توان از کارگزارانی نام برد که تنها با حق العملی که بدست‏ می‏آورند کار می‏کنند و ناگهان بانقصان درآمد مواجه‏ می‏شوند.

به دو صورت می‏توان این روندهای متناقض را که‏ حقایقی در آن‏ها نهفته است،شرح داد.یکی اینکه در دهه‏هایی که سخت‏گیری زیادی در کانون وجود داشت،قیمت‏ها تا اندازه‏ای افزایش پیدا کرده بود که‏ حتی افت موجود چنین چیزی را تهدید نمی‏کند.و دیگر اینکه بیمه‏گران از طریق کاهش ذخائر امرار معاش می‏کنند.آنان ذخائر پنهان و ذخائر خسارت را که در آینده منفعت کمی خواهند داشت،کاهش‏ می‏دهند؛اگرچه گاهی خسارتشان را از طریق‏ سودهای ویژهء وجوه سرمایه گذاری بسته،پنهان‏ می‏کنند.

در سال 1998بیمه‏گران آلمانی انتظار داشتند که‏ حق بیمه 2 درصد یعنی تا 2/243 میلیارد مارک‏ آلمان(152 میلیارد دلار)افزایش یابد.اما این تنها مربوط به بیمه‏های عمر و درمان که نسبتا عملکرد خوبی دارند،می‏شود.

پس از اینکه حق بیمه‏های اموال و حوادث تا 9/92 بیلیون مارک آلمان کاهش نشان دادند،احتمال‏ می‏رود که باز هم کم شوند.این مسأله بیشتر در مورد بیمه‏هایی اتوموبیل و آتش‏سوزی بود که حق بیمه‏های‏ اتوموبیل با 4 میلیارد مارک آلمان کاهش به 39 میلیارد رسید و در مورد دوم(آتش‏سوزی)نیز بازار شاهد یک کاهش 6/8 درصدی تا 2/4 میلیارد مارک بود.این آمار شامل آتش‏سوزی صنعتی نیز می‏شود.ولی شامل عدم النفع بیمه‏گزار نمی‏باشد.هر دو روند درسال 1998 ادامه یافته است و به احتمال قوی‏ در سال 1999 نیز به همین صورت خواهد بود.

توانایی صنعت جهت مقابله با این کاهش مستمر منافع حاصل از صدور بیمه‏نامه روزی به پایان‏ خواهد رسید.این امر احساس موجود بیمه‏گران را که‏ ادغام بیشتری میان شرکت‏های بیمه و همکاری‏های‏ بیشتر اتفاق خواهد افتاد،تشدید می‏کند.شرکت‏های‏ کوچک‏تر به تکیه‏گاه‏های قوی‏تری احتیاج دارند؛اگر آن‏ها شرکت‏های تعاونی باشند،به بررسی راه‏های‏ انجام آن با توجه به موقعیت ویژه خود خواهند پرداخت.به عنوان مثال تبدیل به شرکت‏های‏ غیر تعاونی و یا تشکیل گروه‏های افقی موسوم به‏ (Gleichordnungskonzerne) اینکه شرایط فعلی‏ کی تغییر خواهد کرد و اینکه یک بازار فقیر و در حال‏ رکود کی به سودهای پایین تبدیل خواهد شد.